



انقلاب اسلامی بروایت خاطره

سخنی در آغاز

در نخستین شماره فصلنامه "یاد"، بحث "خاطره و خاطره نگاری"، آغازگر این بخش بود. و در دومین و سومین شماره - به مناسبت همزمانی فصلنامه با پانزده خرداد - خاطراتی از شاهدان عینی پانزده خرداد ۴۲ ورامین را آوردیم. همچنین، خاطراتی را از شهید محلاتی، پیرامون حوادث سالهای ۳۲ - ۳۱، و بلوای برقی و توطئه توده‌ایها در قم عنوان کردیم. و اینک، از این شماره، در بخش خاطرات، فصلی تازه با عنوان: "تاریخ انقلاب به روایت خاطره" را عرضه می‌داریم.

کار اصلی این بخش، نوشتن تاریخ انقلاب به روایت خاطره است. برای تدوین چنین مجموعه‌ای، جمع‌آوری تمامی خاطرات ارزشمند نقش آفرینان و شاهدان عینی، رویدادهای انقلاب، ضروری است. اما تهیه چنین خاطراتی با ابعادی گسترده و فراگیر، مستلزم زمان طولانی است. از طرفی، نمی‌توان خواننده "یاد" را - که چشم به راه انتشار خاطرات انقلاب است - به وعده‌های دور و دراز امیدوار ساخت.

پس، بنا بر قاعده میسور، از این شماره خاطرات آماده انتشار به خوانندگان عرضه می‌شود و بتدریج، خاطرات دیگری که تهیه و آماده می‌گردد، در شماره‌های آینده به چاپ می‌رسد.

بی شک، انتشار خاطرات انقلاب اسلامی، به صورت یکجا و کامل دارای ارزش و اعتبار بیشتری است. اما انتشار تدریجی خاطرات نیز دارای ارزشهایی است که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱ - "تاریخ انقلاب به روایت خاطره"، کاری است نوپا، که تجربه زبسنادی در زمینه آن وجود ندارد. انتشار تدریجی خاطرات تجربیات ما را در این مورد افزایش می‌دهد.

۲ - در این روش، شیوه کار ما در معرض دید و قضاوت خوانندگان قرار می‌گیرد و این، خود به کامل شدن این مجموعه کمک می‌کند.

۳- انتشار این خاطرات، باعث تشویق و ترغیب کسانی است که خاطراتی در رابطه با انقلاب اسلامی دارند. اینان، با ارسال و انتشار خاطرات خود، می‌توانند سهم بزرگی در غنی‌تر نمودن تاریخ انقلاب اسلامی داشته باشند. امید است انتشار این مجموعه، تجربه خوبی باشد در جهت دست یافتن به منابع غنی و سرشار تاریخ انقلاب اسلامی.

یادآوری چند نکته

در نخستین شماره فصلنامه "یاد"، بحثی درباره: "خاطره و خاطره نگاری" عنوان شد، که بعضی از عناوین آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در آن بحث، به نوپایی و ناشناخته بودن فرهنگ خاطره نگاری در ایران، اشاره کردیم. اکنون که "تاریخ انقلاب اسلامی به روایت خاطره" را ارائه می‌دهیم، مسائلی از "خاطره شناسی" نزد خوانندگان مطرح می‌شود، که "تعارض خاطرات"، "رجال در خاطرات"، "ارزیابی خاطرات و معیارهای آن" و "صداقت گوینده خاطرات"، از جمله آن مسائل است.

از این رو، در هر شماره فصلنامه، همراه با انتشار "تاریخ انقلاب اسلامی به روایت خاطره"، پیش‌درآمدی با عنوان: "نکته‌ها" خواهیم داشت، که پاسخگوی مسائلی خوانندگان در زمینه خاطره شناسی خواهد بود.

امید است مجموعه نکاتی که در هر شماره فصلنامه می‌آوریم، همراه با پیشنهادات و نظرات شما، مقدمه‌ای در جهت بحث "خاطره شناسی" باشد. و مجموعه این تجربیات، دانش خاطره شناسی را پی‌ریزی کند - به امید آن روز.



نکته‌ها:

۱- در این مجال، که نام: "تاریخ انقلاب اسلامی به روایت خاطره" - سر آن نهاده‌ایم، تنها به نقل خاطرات - بدون هرگونه ارزیابی - اکتفا کرده‌ایم و ارزیابی خاطرات را به عهده خوانندگان گذاشته‌ایم.

۲- موازین این ارزیابی، بتدریج در هر شماره فصلنامه مطرح خواهد شد.

۳- هرگاه خاطره‌ای مورد انکار یکی از خوانندگان قرار گیرد، بنیاد تاریخ این حق را برای او قائل است که نظر خود را اظهار کند. مشروط بر اینکه نظری منطقی و مستند به اسناد و مدارک تاریخی باشد.

۴- کسانی که خاطرات متعارضی از یک واقعه داشته باشند، می‌توانند در میزگردی شرکت کنند، تا این خاطرات متعارض با اسناد و شواهدش مورد ارزیابی قرار گیرد و صحیح از سقیم باز شناخته‌آید. و بنیاد تاریخ متعهد است، امکانات لازم را در این جهت فراهم آورد.

۵- ویرایش خاطرات امری طبیعی است. بعنوان مثال، در مواردی لازم است واژه‌های نامانوس - که در محاوره به کار رفته - به واژه‌های هم معنی تغییر کند. و در مواردی که عبارتی به صورت ناص و بریده ادا شده است، عبارت تکمیلی و یا توضیحی به آن اضافه خواهد شد. اما برای رعایت امانت در نقل قول، عبارت تکمیلی را در داخل قلاب () می‌آوریم. و ناگفته نماند که در نقل خاطرات، هیچگونه سانسور و یا تحریف روا نمی‌داریم.

۶- هرگاه خاطرات کسی متضمن هتک حیثیت دیگری باشد و در عین حال ارزش تاریخی داشته باشد، از طرف مقابل دعوت خواهد شد که توضیحات لازم را به خوانندگان ارائه نماید. و بر این اساس، مطالب موافق و مخالف یکجا درج می‌گردد، و قضاوت آن به خوانندگان گذاشته خواهد شد. این، برای آن است که باب "هرزه‌گویی" و "هرز-باوری"، در "یاد" گشوده نشود. بدیهی است که در این باب، به رعایت موازین اسلامی متعهدیم.

۷- هرگاه خاطرات افراد متضمن قدح کسی باشد که در قید حیات نیست، در صورتی که آن خاطرات ارزش تاریخی داشته باشد و بتواند در اجتهاد تاریخی نقشی را ایفا کند، بنیاد، خود را ملزم به تحقیق می‌داند. با این حال، اگر نتیجه تحقیقات بنیاد مورد اعتراض دیگران باشد، آنان می‌توانند نظریه مخالف و مستند خود را در صفحات "یاد"، مطرح سازند.

۸- بر آن نیستیم که در مورد اشخاص به صورت مقطعی اظهار نظر کنیم، سیاست کلی بنیاد، آن است که در این باره توسط "بخش رجال" بنیاد، به اقدامی اصولی دست یازد.

۹- از آنجا که امکانات بنیاد در جمع‌آوری خاطرات محدود است، از همگان دعوت می‌شود که با ارسال خاطرات - به صورت نوار یا نوشتار - ما را یاری کنند.

۱۰- بر این نکته تأکید می‌کنیم که این مجموعه، تاریخ انقلاب نیست، تحلیل و ارزیابی تاریخ انقلاب هم نیست، تنها، این مجموعه می‌تواند بعنوان یکی از منابع غنی و گرانمایه، در اختیار تاریخ‌نویسان و پژوهشگران قرار گیرد، تا در جهت اجتهاد و تحقیق در تاریخ از آن بهره‌گیرند.

۱۱- به هنگام خاطره‌گیری، اغلب با تکیه کلامی روبرو می‌شویم که گویند ده خاطره، تنها از روی عادت در سخن گفتن، آنها را بر زبان جاری ساخته، اما معنی آن جمله را در نظر نداشته است. در اینگونه موارد، تکیه کلامی که در زیبایی جمله اثر منفی دارند، حذف می‌شود.

۱۲- در مواردی، گوینده خاطره سخن خود را از موضع شک و تردید و یا از روی بی‌اطلاعی بیان می‌کند و عباراتی از قبیل: "درست نمی‌دانم، شاید، اینطور می‌گفتند، به نظر می‌رسید، اگر اشتباه نکنم"، به کار می‌برد. اگر چه اینگونه کلمات از ارزش خاطره می‌کاهد و خواننده را دچار بی‌اعتمادی می‌کند، اما این، از جهتی نشانه صداقت و دقت گوینده در بیان خاطره‌اش می‌باشد.



سال ۱۳۴۰ ه. ش، سرآغاز انقلاب اسلامی و در خاک نشانیدن نهالی است که در خلال سالهای ۵۷-۴۰، قامتش استوار گشته و ریشه در اعماق خاک میهن اسلامی دوانیده و بار پیروزی برآورده است. اما این بدان معنی نیست که انقلاب، در حوادث تاریخی گذشته ریشه‌هایی نداشته است.

درست است که انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۰، آغاز شده، اما زمینه‌های رشد و بالندگی آن از سالها پیش فراهم آمده است، از اینرو، توجه به زمینه‌های به وجود آورنده انقلاب اسلامی و عواملی که - خواسته و یا ناخواسته - در آن سهم بوده‌اند، خواننده تاریخ را یاری می‌دهد که با دیدی وسیع‌تر در راه تحقیق و پژوهش انقلاب - اسلامی، گام بردارد.

پرداختن اصولی به ریشه‌یابی انقلاب مجال وسیع می‌طلبد، این کار، در صورتی امکان‌پذیر است که تاریخ تحلیلی اسلام، و بویژه فعل و انفعالات "عاشورا" را در تاریخ اسلام بشناسیم. اما در چشم اندازی نزدیکتر، دست کم، نباید تأسیس حوزه علمی قم - و استقرار مرجعیت شیعه - این پایگاه اصلی نهضت - را از نظر دور بداریم.

سخنی درباره پایگاه اصلی انقلاب

بی تردید، شهر قم و حوزه علمیه آن، پایگاه اصلی این حرکت بوده است. زیرا بسیاری از فعالیتهای ثمربخش و حرکتیهای جهت دهنده انقلاب، از قم و در قم پا گرفته است. و روحانیت به اتکا مردم، پیشرو پرچمدار این نهضت بوده اند. از اینرو، در این مقام، ابتدا درباره قم، روحانیت و مرجعیت، حوزه علمیه و نقش آن در انقلاب، خاطراتی را عنوان می‌کنیم. خاطراتی که روشنگر زمینه‌های انقلاب اسلامی اند و عوامل سازنده انقلاب را در آن می‌توان جستجو کرد. و سپس، وقایع دیگری که در نقاط دیگر، راهگشای این حرکت بوده اند، مطرح خواهد شد.

در جستجوی زمینه‌های انقلاب اسلامی

تاسیس حوزه علمیه قم بروایت خاطره

مصاحبه با آیت الله اراکی

س: کرده است، معذالک حوزه‌ای در این شهر منعقد نشده و خدا می‌داند جهتش چه بوده است.

س: آیا (فتوای میرزای قمی) در سهم امام مدخلیتی در عدم تشکیل حوزه نداشته است؟

ج: شاید بدینجهت بوده، فتوای ایشان در مورد تصرف سهم امام بخصوص سهم سادات بوده است، آقا شیخ ابوالقاسم زاهد که از علمای بزرگ قم بحساب می‌آمده نیز در مورد سهم امام همین عقیده را داشته است بنحوی که خودش در سهم تصرف نمی‌کرد و به این عقیده بود که اموراتش به غیر سهم باید بگذرد. و از اینجهت عذری برای عدم انعقاد حوزه داشته است.

س: قبل از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حوزه چه وضعی داشته و بعد از آمدن ایشان چه حالتی پیدا کرد؟

ج: قبل از آمدن مرحوم حاج شیخ عبدالکریم، حوزه‌ای در قم نبوده است، البته در آن وقت علمای برجسته‌ای از قبیل میرزای قمی اعلی الله مقامه و آقا شیخ ابوالقاسم زاهد و آشیخ مهدی پائین شهری و آشیخ محمد حسن آیت الله قمی و امثال اینها بزرگان در قم سکونت داشته اند، لیکن تقدیر الهی نبوده که قبل از زمان حاج شیخ عبدالکریم حوزه‌ای در این شهر تشکیل بشود. با اینکه میرزای قمی از نظر علمی، اولیت داشته و صاحب کتاب قوانین بوده است و همچنین علم اصول را بنحو اتم او تاسیس